



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تیرماه برای تیرماه جاری در امر کشور و همراه با آنجا انتشار می یابد

شماره سیزدهم - یکشنبه هفدهم مرداد ۱۳۰۰

بزرگترین کنفرانس عالی تاریخ دیپلماسی جهان

جشن شاهنشاهی به رفع اختلافات جهانی کمک می کند

ترجمه از: سندی تلگراف چاپ لندن

* شرکت مراکز مذهبی جهان در جشن شاهنشاهی

چرخ آو انگلند نشریه مذهبی انگلستان

* ادای احترام به تمدن بشر

هرالد اکسپرس

* ایران یک انقلاب حقیقی

راپست سر می گذارد

از: ژرنال - چاپ بروکسل

داده های آئین شاهنشاهی ایران به تمدن جهان

شاهنشاهی ایران، میراث ماست، خیرمایه موجودیت ماست، طبیعی است که بی اقامه هیچ دلیل به آن عشق بورزیم، و دوستی بنادیم و در تجلیل و بزرگداشت آن، از هیچ تلاش فروگذار نکنیم.

اما، ممکن است کسانی از خود بیزمنه، دنیا که چنین بدچشمی های شاهنشاهی ایران علاقه و پیوستگی نشان میدهد، چه رابطه با آئین شاهنشاهی ایران دارد، و چرا باین آئین عشق میورزد، و این پرسش بسیار پیچاست.

اگر چه آئین شاهنشاهی، به ایران تعلق دارد، اما داده های این آئین، نوآوریها و بنیادگذارهایش، نصیب تمام تمدنها، و نصیب جهان شده است، و حتی چه بسیار مورد که آنچه آئین شاهنشاهی ایران، به دنیا داده، از زیاد رفقه است، و پس از انصار و قرون، و برایه نیاز و دگرگوئی های تمدن، دنیا بنازگی، و باین داده های قدیم دست یافته است، بی آنکه از گذشته دور خبر داشته باشد، و ناگاه کتاب آئین شاهنشاهی ایران را که می گشاید، می بیند این همانست که دوهزار و پانصد سال پیش در قلمرو شاهنشاهی ایران رایج بوده است.

در دنیای معاصر، تحولات سیاسی که برای دگرگوئی نظام های جامعه بشری روینده یک سلسله نظم و قاعده نوین است، گذشته است، نظم و قاعده ای که در اصلاح به نظام جمهوری، معروف است، و از آن جمله، تدوین و تسبیق قوانین و مقررات مالی و ترتیب دیوان محاسبات عمومی است که هرگز نه و در آمد ملی و کشوری جاری است و برای استقرار چنین مرتب در گروهی از کشورها حوادث خونین روی داده است، و این یکی از مطالبات اصلی انقلابهای سیاسی قرن هجده و نوزده

بقیه در صفحه ۲

۱۰۰ لوحه آرزو و آرزوگر

کیفر

داریوش شاه گوید:

اینست آنچه من کردم پس از آنکه شاه شدم، کمیوچیه نامی، پسر کوروش از خاندان ما، در این کشور شاه بود. کمیوچیه برادری داشت از یک پدر و یک مادر بنام بردیا، کشند که کمیوچیه برادر خود را کشته است، پس از آن کمیوچیه به مصر رفت. وقتی در مصر بود، فساد در میان مردم راه یافت و فتنه و ناقرمائی در پارس و ماد و دیگر کشورها بسیار شد. آنگاه مرد مجوسی، بنام کومااتا، یقیه در صفحه ۸

سپاهیان، مدافعان اندیشه اهورائی

۶۶ روز تا آغاز جشن شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی ایران، جشن تمدن جهانی است

گوشه ای از دروغ پردازی

وقصه گوئی هرودوت

پدر تاریخ غرب تاریخ کشورمان را خودمان نویسیم

در صفحه ۲

گاهی که مصیبتی بر ایرانیان فرود می آید، نمیتوان تنها به پناهجستن از سنگ شکنجایی، پستنده کرد. باید با عوامل آن به ستیز برخاست و پیش از دست یازیدن به هر کاری، در این زمینه، نخست باید موضع گیری کرد.

باید جهات حمله را دریافت و در صورت امکان، اندیشه دشمن را شناخت. و آنگاه با استفاده از این آگاهیها، و با سودرگتن از عوامل مختلفی که میتوان از آنان، بعنوان عوامل تدافعی، و در پایان ترضی، استفاده کرد، ستیز را آغازید و بیروزی را دریافت.

نقوات انسان، با سایر موجودات، در همین است. موجودات دیگر، آنگاه که خطر برهنستی آنان سایه میگذرد، تنها بیاری شروع بدوی و وسایل تدافعی طبیعی، به دفع آن میگویند و سرزودت آنان، و نتایجی بیروزی، بستگی به میزان نیرو

بقیه در صفحه ۵

روز شماره ۲۵۰ سال شاهنشاهی ایران ۱۳۸۵

آنتوان، روزی که توانست پی از گرانند لفظها، روزها، و ماههای وحشت و دلهره و اضطراب، ایرانزمین را درحال فرار و پسترس نهد و در «الظلمة» آرام گیرد و اثری از نیزههای پلندو تیرهای رخنه‌گر و مرگ‌آلود سیاه باقی نینهد، به‌شمارش سیاهیان خود پرداخت و دریافت که سپاهی که پیشانی از ظلمت آن سیاه سخن میرفت و به‌قولی «بشت‌آسیا» را بلرزده دارد و بونه‌رومیان، انتظار داشتند که این سیاه، خاطر پیروزی‌های اسکند را ناقصی نطق سرزمین‌های شاهنشاهی تجدید کند، چنان از میان باقی‌مانده نامردم نمی‌کنند و پیش از بلباس آن سیاه، نابود شده است. این حصه او، در سودای خاپووری بود و نتیجه‌اش نبرد، پیروزی نام سیاهیان ایرانزمین بود. یاد دیگر، که جهانیان، به‌مشاخت مجددی از این مرزوموم کهن‌دست یافتند.

۳۵ قبل از میلاد

آیا سرچشمه‌ی همه پلیدی‌ها و خیانت‌ها، از خام طمی بهره نگیرد. و آیا پندارهای باطل از اشغور سودای عیب نمی‌نوشد. بی‌گمان چنین است. و حاصل پندار و چسبند شایع حقیر «مادکولت» که بی‌اندکس سهم کثرتی از غنای جنگی، برای آنتوان و فراد رومیها نصیبی او شده، و جسات و دروید ایتاب این سخن به‌جاست ایرانزمین گفته، دست دیگری بود برای او، خوش فرهاد شاه، را با بخت. و شاه حقیر «ماد کولت» از تیبیگر فراد چهارم، و به‌خیانت‌دوئی دست بازید، و دست‌نهادی خود را به‌سوی آنتوان فرستاد. و فرستاده او ایستگاه پیغام‌رسان که اثری بار دیگر، برای کشون دروازه‌های سرزمین‌های ایران بازگردد، من خود، حامل پیروزی تو خواهم بود. و پیروزی را در جنگ فراهم آورد و برای پیروزی تو، به‌شما مادکولت، الفت می‌رود. و «آنتوان» این سخن را به‌پیش آنتوان ابونگونی دیگری می‌اندیشد و می‌پنداشت که فرصت برای درافتن گرفتن پیروزی دست آمده است.

۳۴ قبل از میلاد

پندارخام «آنتوان» با دیگران او را فریفت و برای ناله فریاد چنانچه ظم نطق شمشیر، خنکات را برای او گسترده و به‌سوی پندارخام و اقوامی شاه حقیر و فراری «مادکولت»،

(۱۳)

ناگهان باسپاهی آراسته، به‌ارمنستان حمله برد. و «ارنه‌بال» شاه ارمن که او را هم‌پیمان و متحد خود می‌دانست، و به‌استیلا او نشاخت. اما خیانت‌دوئی آنتوان، خود را نمود و «ارنه‌بال» از سوی او، دستگیر شد و به‌زنجیر افتاد. سیاه آنتوان، آنگاه، ارمنستان را بی‌پاری سپاهی مردانی که از زمان فراد آنتوان در ارمنستان می‌زیستند، تسخیر کرد. و سیاه او، این سرزمین به‌تاکت، و دستگیر خود کشیدند و آنگاه به‌مادکولت گذاردند. مادکولت، دختر شاه مادکولت را، برای پسری، «الکساندر»، که حاصل عشق او و کلوتاربا بود، گرفت و باو تزویج غلام به‌همسر بازگشت. شاه ایران، فراد چهارم، بر این جریان، باوایی، می‌نگریست. او می‌خواست از آنچه که اتفاق افتاده بود، برای پیشتر مصلحت‌های خود سود جوید.

۲۳ قبل از میلاد

در عرصه مصلحت‌های باید هر لحظه مترصد بود. تا با استفاده از موقعیت‌هایی که تحریف از دست می‌دهد، او را از برای درآورد. و شاه ایران، از این چنین کرد. و آنتوان، یسه مصر بازگشت و شاه کوچک مسد را، با یسه سپاه رومی، ولقب «شاه شرق» که به‌او از برای داشته بود، «مادکولت» باقی نهاد. و در این زمان، لفظی پوشش فراموش بود. لفظه‌ای که باید دشمن را از برای عقب ماند و از تیان به‌دست. سپاهیان ایرانزمین به‌پسرای «ارنه‌بال» شاه جدید ارمن، که به‌مدد پدر برتخت سلطنت نشست و سرزمین خود را از دست داده و به‌فراد چهارم، و به‌دیار شاهنشاهی شده بود، پناه گرفته بود. حمله برد نخستین پور، با نامی موجه شد ولی چندی بعد، آنتوان که در آسیای صغیر، سرزم سیزده یا «آسیا» تصرف کرده بود، سپاه رومی خود را از مادکولت فرخواند و سپاه سواریی ماد کولت را که با خود برده بود، درآورد. و این کار او، پایان کار خرابی، خالتی که به‌این‌همه روزگار داشته بود آشکار ساخت. شاه ماد کولت، در برابر یورش دلیرانه سپاهی مردان کلوتاربا از پاندانده، سپاهیانش از میان، بازگشته شد و خود به‌صورت درآمد. و بدین سان، اردوهای او، و ارباب‌هایش را که به‌سوی آنتوان بسته بود، چون آردو هر خان دیگر، تفرقه پراشید. «ارنه‌بال» شاه ارمن، به‌مدد پیروزی‌های ایران، بر ایرانزمین باسرزمین خود بازگشت.

داده‌های آئین شاهنشاهی ایران به‌تمدن جهان

که توجه و وقت آن ایران‌شناس نامی و قید امریکایی در کشف و بررسی مسائل چاپ و تحسین‌آمیز است. اختلاف بزرگ میث ایران‌شناسی نیز با سایر رشته‌های باستان‌شناسی آشکار می‌شود، و به‌ویژه بی‌بسیاست که ایران‌شناسی، دانشی ژنده است و در آن دانشمند خارجی، همین که چیزی را بازیافت، و بازخواند، می‌تواند آنرا برده‌می، که هرگز رابطه‌اش با میراث کهن‌نامی گشته نشد است. و این بازیخوانی و بازیابی با آنها مربوط است. در میان بگلدانه، و از برای شوق‌پور خود می‌چینی ژنده، می‌چینی بزرگتر از فضای کاپلنجا پندست آورد.

و اما، دنیا ...

دنیا که ایگونه، آنچه را که در دوران بنیادگذاری های درخشان علمی و اجتماعی خویش ابداع میکند و عرضه می‌دارد، بی‌فصله‌ای دور بازیافته، درمی‌یابد تازه نیست، و سرآغاز آن، به‌آغاز آئین شاهنشاهی ایران می‌پیوندد، بدین است که به‌ایران و شاهنشاهی و میراث فرهنگی آندل می‌بندد، و می‌تواند این میراث و این وسعت مشرب را نادیده بگیرد.

اگر «آرتورپو» سرزشته و ساخته دیوان محاسبات عمومی را، در نظام کشوری و سازمانی شاهنشاهی خمانشی در دوران داریوش بزرگ جسته است، و اینگونه چهار شکفتی و حیرت شده است که حیطه سلطت قاعده و نظم جاری جدی است حتی رابطه اخلاصت می‌جوید و موزده‌القه داریوش شاه را نیز در می‌گیرد، داریوش با دختر خویش همان رفتار را در مقام رعایت قانون و نظم مالی دارد که با کارگران و استادان کاران فراوان شاهنشاهی و شوق و پارسه‌گره دارد. دنیا وقتی به‌مدلول فتحاته‌های پابل آمل می‌شود که گوش جرقه‌ساز کرده است و در آن آزادی عقیده و آزادی حرف‌گویی را صریح و قاطع، برای مردمان قلمرو شاهنشاهی مقرر داشته است حق دارد سنجیدن به‌هیچ‌جا این راه را، هر آئینی که برای شاهنشاهی ایران و امتلای نام گوش بزرگ برآ می‌شود، با شوق و شور بان پیوندد.

هنگامی که گفته می‌شود تجلیل دنیا از آئین شاهنشاهی ایران پسنزله تجلیل از تمدن امروز و ریشه‌های آست، می‌پیوندد در واقع سرچشمه و اساس تمدن خویش را گرمی می‌دارد تا بر این واقعیت است، دنیا بسیار با آئین‌های شاهنشاهی ایران در زمینه داده‌های فرهنگ و تمدن می‌بندد و این‌ها را باید به‌تجوی آواگند، شرکت و حضور در جشن‌های شاهنشاهی ایران، یکی از این نمونه‌هاست.

و رویان را از آن سرزمین راته و بدست نآودی سیرد. ماد کوچک، و یاد دیگر، به‌امان ماد با زشت‌و باغ ایرانزمین شد. رویان از نتیجه این جنگها، و دریافت‌ده ایران، و شاهنشاهی ایران، چون حکومت‌های سلوکی، و به‌عصر، یادولت‌های آسیای صغیر نیست که کسی بتواند بیان دست یابد. هر چند سپاهی را که «آنتوان» با ایران آورد، بزرگترین و مجتهدترین سپاهی بود که در سراسر تاریخ، از دست به‌ایران کشیده، اما جلایزای ایرانیان، و از برای لشکر آنتوان از برای سپاه باست آمده نیمی از این لشکر نیرومند که از رویان و وزیده و جنگاور و پال «الهای» سپاه و جنگجو که از رویان یافته بودند، بدست نآودی سپرده شد. آنتوان شکست و خنکات را پذیرا شد. خنکات، حاصل کار و پندار یاده سومین سردار اروپایی بود، که بر اثر خوانند اسفناهایی که مقنونیان با دوستان آنان گذاشته بودند، سودای چالگنالی در سرزمین‌های آسیای را به‌سرا داد. از این پس، دیگر اسکندر هیچکند دیگری، در روم پیدا نشد! ایرانیان اینگونه نیروی اهدویی خود را می‌مانند.

میاد مسیح

۵۱-۱ میلاد

«ارد دوم» به‌سلطنت رسید ولی مجلس معها، «لئون اول» که فرزند فراد چهارم را نژاد کرد. او از دوم پسران آمد و بر تخت نشست. اما پیروزی «ارد اول» و «ارد دوم»، که پدرش در شکلازه از راه دماهد بود، با او نگرفت. و از این پس مردان سوم و آنگاه تریبیه، گردید و از اردوان، و آنان دوم پسر اردوان سوم، در مدهای کوتاه به‌سلطنت رسیدند. در زمان این مدت سپاه‌های تیره، بر این مرزوموم با قدرت، ولی این مدت کوتاه، در تاریخ یک ملت اثری ندارد. بازم سبیدی تابیدن گرفت.

۵۱ میلاد

شاه بزرگ، بلاش اول را به‌سپانتش نشیند، به‌طغرل انیشه‌اش، و به‌طغرل اردانه‌اش، و زوزگار سیبویه‌اش و شوکه را به‌میان مهندگریان و دام‌واران با زوزگار اول، و به‌روماند، آئین شاهی بجای آورد و تفصیل پاکله داد. با لادار ازوشمند خود را، که شستن سخت او را برداشتی بود، بر تاریخ گذاشت.

۵۱ میلاد

شاهنشاهی ایران، و اشتیاق او به‌جای آورد و با مفتن شورد و سپاهی مردان جنگاور خود، به‌تاجا فرستاد. آنتان سرانجام آن سرزمین را تسخیر کردند و «اراداست» را از آنجا فرستاد.

۵۸ میلاد

در سرزمین دامی، قبیله «دها» از شمال غرب «کریلتای» و «هریان» حمله بردند. شاه بزرگ به‌دفاع آنتان می‌ریخت. سپاهیان او، چستان از اندیشی شاه پوشند، جنگ خانگی «ادای» بها و، به‌باغان بردند. و شاه ایران زمین، به‌تلف نهائی رسید و آسوبیه، که چون نگه‌های بره‌مان این سرزمین افتاده بود، زود او اشک برای گوشمال رومیها، و به‌تلاشه پرداخت. رومیها که جسات می‌وزیدند و در کار شاهی، در ارمنستان اخلاص و بی‌بسیاستند.

۶۲ میلاد

«تیرول» رهبر سایدومی و نماینده «تزون» همه رومیها، خود، با سپاهیان ایران از بندید و خنکات و دلآوری ایرانیان، و به‌سرداری و بحیری شاهنشاهی، بلاش اول، باعث پیروزی آنها شد. پیروزی ایران، و اینجام رویان را به‌سوی سلطنت، گزیداد، فرزند شاهنشاهی ایران، و به‌تجوی دولت روم و به‌پسرای سفزار سورباری، به‌خروج دولت روم، به‌مان سرزمین سفرد، همه شرها، که گزیده‌ها او بود، دم‌فشرا گرامی داشتند. او، و تاجا، با شکوه تمام شاهی را بر سر نهاد.

۶۶ میلاد

از این موقع‌ها، از نمایش قدرت شاهنشاهی پارت نزد رویان بود. شاهزاده ایرانی، باسپاهی مردان نیرومند خود، سراسر خنکات امپراطوری روم را، که از نسوی فرات تا روم طی کرد و قدرت‌ایران و ایرانیان را به‌تآن نمود.

۷۵ میلاد

چلوس شاهزاده‌ی ایرانی، تیرداد، باعث آمد سلطنت اشکانی، سلطنته‌ای از تبار یاله مردم ایرانزمین، در ارمنستان تأسیس کرد. او، شاهزاده‌ی ایرانی و شاه ارمنستان، ۹ ماه روم را زیر پا گرفت.

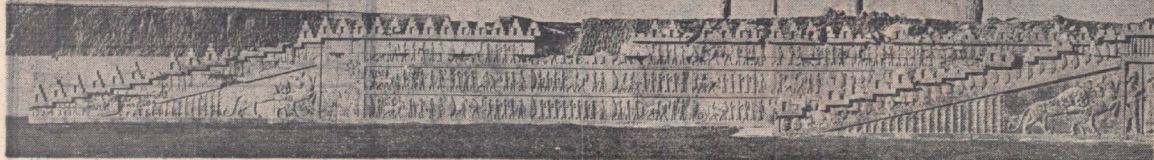
۷۵ میلاد

مردم قفقاز پیروزی در «الان» که در پشت کوههای قفقاز بطرف شمال چین داشته‌با «الیری» و «پارچه‌ها» ساختند و جسات وزیدند و از سراسر داریان، که گزیده‌های آسیای قفقاز است، و از آنجا به‌طرف جنوب رفتند و دست خود را به‌تلف غنات و ویرانی آلودند. شاهنشاهی ایران، که سپاهی گسیل داشت و آن ناحیه را، که از جیبال این یاقیان نمی‌آسود بود، از وجود آنان زدود.

۷۷ میلاد

شاه ناوان، شاه «هریان» که با قبول آئین زرتشت از بدو زرفانی، و فرمان رانده بود، کتاب آردا، که به‌عنوان اسکندر جیگند، در آتش سوخته بود، که از نودین گزند و پوروشیا پیوستند و یاد دیگر این آئین مقدس را از نظرد و سلطی کوه‌نشینان یونانی و توسط سفادات اسکندر گزیدند. او، یاد دیگر ایران از به‌وزگار بشکوهی رساند و یادگار ظم مهروردی و بخیری نوام را در تاریخ از خود نهاد. دواش با مشتابینان در قرین بهاد.

تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم



گوشه‌ای از

دروغ پردازی

وقصه گوئی هرودوت

پدر تاریخ غرب

حتی هرودوت، پدر تاریخ غرب، در مقام تمسب، يك تحریف‌کننده تاریخ است، در این باره، آيا هرگز فرصت بررسی داشته‌اید؟ از افسانه‌ها و افسانه‌بازيهای ديگران بگذريم، سخن بر سر هرودوت است، و نقطه اتكاء يك دوران دقيق تاريخ ايران است دوران نمايش قدرت سپاه پارسی، در اروپا، و سرکوب دشمنی که هرگز شهرهای کناره دریا، تسمور رویا روی ایستان‌بان‌را در خواب نمی‌کردند، و می‌گوشیدند با خنده دوستی و دادوستد، او را آراسته نگاه دارند، درباره این واقعه تا پیش از آنکه سنگ نبشته داروش بزرگ در بیستون (بستان) خوانده شود، منبع اطلاع تنهاها بود که یونانیها و صدبرادران هرودوت آورده بود، و این منبع از آنچه هوشیاری و دلیری و کرداری که خاص شاهنشاهان نخستین پارس، کوروش و داروش است، سیمائی تاریک‌و‌کدر و ابناشته از کذب‌های ارثه امیاد.

رقم... در سکاکیه... در تیکر (جمله)... از دریا با کشتی‌ها گذنتم... چنگک کردم... گروهی را گرفته بسته نزد من آوردند... «سکون‌خا» نامی را گرفتم... دیگری را رئیس کردم چنانکه خواست من بود، پس از آن این بوم از آن من شد.

و پس از این تصریح که «سکون‌خا» رئیس سکاها را گرفته است و دیگری را بر آن تیره رئیس کرده است، داروش شاه می‌گوید، آن بوم، بوم بسکا، از آن او شد است. و باز در سنگ نبشته کوچک که بیشتر به گزارش بیکرها اختصاص دارد، داروش دهمین شاه را که از شماره دشمنان سرکوب شده خویش می‌نامد، همین «سکون‌خا» ست، و چنین است:

« این سکون‌خای سکاکی است و سیمای رئیس قبیله سکاها اروپائی نقش شده است.

و نیز در سنگ نبشته نقش‌رستم، داروش بزرگ، از سه تیره سکاکی نام می‌برد، سکه هومه‌ورک - سکه تیکر-خودا - سکه تیر دریا که آن دوتایی نخستین یمی سکاها است. سرزمینی که گاه «هوم» در آن می‌رود، و سکاها هم‌اگر با تیرخود، در شرق ایران-ت می‌زیستند، و در آخرین ردیف سرزمین‌های شرقی نامشان آمده است، و سکاها آن سوی دریا، در ردیف سرزمین‌های غرب شاهنشاهی و بهتر تیب پس از لیدی و کرانه‌های هلنی قرار گرفته‌اند و بعد از آنها نوبت به مقدونی‌ها و تیره یونانی میرسد که بر حسب نوع سلاح‌مشخص شده‌اند، این همه تیره سکاکی‌ها سرزمین‌ها، در ماروبوم‌های شاهنشاهی آمده‌اند، و این بحث، با دآوری چند نکته است:

— داروش بزرگ، در لشکرکی به سرزمین سکاها اروپا، با سکه قلمروشان را استهبای آسیا نیز کشیده می‌شد، به پیروزی رسید و آنچرا میخواست، به‌انجام رساند، رئیس و بزرگ قبیله سکاها، به‌نام «سکون‌خا» چنانکه در سنگ نبشته آمده، گرفت، و این قبیله تاراجگر را که کارش

داروش، چرا به سرزمین سکاها رفت، و در آنجا چه کرد، و حاصل کارش چگونه بود؟ و در این نبرد چنانچه پیش می‌برد، اگر اساس داوری آن باشد که هرودوت نوشته است، جواب اینهمه، عبت و خطا کاری و بی‌هفتی و ناکامی است، اما چند سند تاریخی که از سنگ نبشته‌ها پست آمده است، نشان می‌دهد، حقیقت وقایع یکباره با درک و برداشت و تصور هلنی‌ها، اختلاف داشته است، و هلنی‌ها، در چنان سطح تمدن، قرار نداشته‌اند که بتوانند آنچرا از همسانی آنها روی داده، یا حتی گروهی از مزدوران و سپاهیان متحد، از شهرهای هلنی، که باید در سپاه شاهنشاهی به‌جبهه‌مقبر، از نزدیک دیده‌اند، دریابند و بسجای خود بنشانند.

در این باره، به فرمان داروش بزرگ، در ستون پنجم سنگ نبشته بیستون، بند چهارم که دست تصریف روزگار، پاره‌هایی از آن را زوده، تاجایی که خوانده میشود، چنین آمده است:

داروش شاه گوید: پناه‌های به بوم سکاها

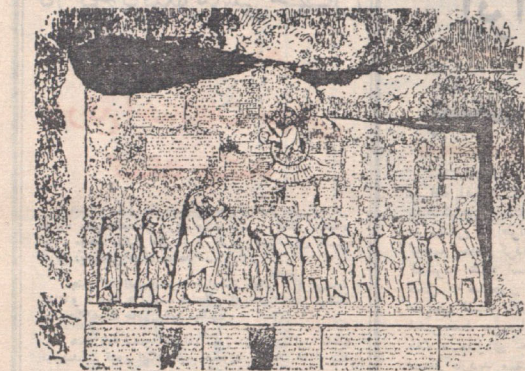
علاوه بر غرضه گندم و غله تنها محصول کالای قابل عرضه و نیز پوست جانوران، در مرزهای آسیای صغیر، دستبردهای سخت به شهرها و آبادیها بود، چنان‌که شمال داد که زیر فرمان شاهنشاه درآمد، و بر آنها رئیس تازه قرار داد، و چنانکه در بیکره‌های حجاری شده آمده، بر آنها باج گذاشت.

۲ — با پیوستن این تیره و بوم آنها به قلمرو شاهنشاهی، گذشته از تأمین آرامش، در مرزهای لیدی و آسیای صغیر، يك رشته بزرگ بازرگانی، که پس از رسیدن شدن شاهي مستقل لیدی، از دستان سرزمین بیرون رفته بود، و بخصوص تیره‌های مختلف هلنی، بان می‌پرداختند، تجارت غله و میاده کالا با سکاها، بار دیگر به اختیار بازرگانان لیدی درآمد و واسطه‌هاز میان آنها بر خاست.

۳ — داروش بزرگ، با این فتح، توانست، يك پایه خطرناکه در آینده و حتی آینده نزدیک ممکن بود،

مرزهای شاهنشاهی و آرامش غرب را بهم بریزد، قسرو ریخت و پیشایش، تقابیسر آینه شد، و مجال برای پرورش نقطه خلاف باقی نگذاشت، و با این لشکر کشی چنان سطوت ارتش سرخ‌جابه شاهنشاهی را، در دل یونانیهای دلال و پیشور بیجا گذاشت که آثار آنرا، بعدها نیز آشکارا می‌بینیم، و جدا از این سخن خواهیم گفت، اما درباره این پیروزی و این سرعتمثل در جنگاوری و ثری که از آن بدست آمده، به‌بینیم هرودوت که پدر تاریخ لقب گرفته چه می‌گوید؟

هرودوت پس از بحث‌مشرع از مقدمات سفر جنگی به دیار سکاها، در تعریف پلای که «ماندروکل» ساموسی بر سفرو بسته سخن می‌گوید و اینکه می‌خواهد اهمیت اثر عنصر هلنی را نظیر هر جمله دیگر که بکار برده نشان دهد، عظمت داروش بزرگ و شاهنشاهی ایران را در اندیشه مردمان قلمرو شاهنشاهی نمایان می‌سازد، و آنجا که از نوشته پرده نقاشی بزرگ که داروش شاه را بر تخت و سپاهشرا حين عبور از پل نشان می‌دهد و به دستورا «ماندروکل» تصویر شده، نقل می‌کند: « پس از انصال سفر، که ماهی‌های فراوان دارد، ماندروکل این را به «هرا» یادگار پل تقدیم کرد، او در ازای این کار تاج افتخار بر سر نهاد و نام مردم، اموس را بلند ساخت،



چه کار او پسند داروش شاه شد... نقل تمام قسمه‌مانندی که هرودوت، از پل و تصمیم داروش به ویران کردن آن، و نیز، تأکید به اینکه اگر داروش با سپاهش تا شصت روز از سرزمین سکاها بازنگشت، « بنیان» ها پل را ویران کند تا آسیب سکاها، به سرزمین‌های این سو نرسد، کاری است عبت چه شاهنشاهی چون داروش، با آن عزم قاطع، و آن سپاه دشمن‌شکن هنگامی که اهنگ سرکوب تیریمی چون سکاها، را در سرزمین خودشان، میکند

هرگز ممکن نیست، مثل سوداگران سرگردان افسانه‌ها، و یا مثل خود هلنیهای بازرگان که تسلیم وار تن به تسلیم‌اندند، خطاب به زیردستان خود، و در آغاز سفر جنگی بگوید: « ای سبسی مهربان، هر گاه من تندرت از جنگ بر شتم نزد من آی تا پاداشی بتو بدهم که پیشنه‌اند خوبی کردی» (یعنی راهنمایی کردی که پل را بیشتر سپاه عظیم ایران ویران‌نازیم) و با یک‌شمه جرمی برداشته شمت گره بران بزند و شاهان بنیانی را خواسته با آنها بگوید: « بنیانها، آنچه پیش‌ازین درباره پل گفت، باطل‌شد، این شمرا بگیرد، و از روزی که من داخل سکاکیه می‌شوم روزی يك گرم‌باز کنید اگر در پایان مدت من برنگشت، پل را ویران کنید و به شهرهای خود با گردید، و تا آن زمان بکوشید سالم بماند»

بر همین منوال است باقی سرگذشت سکاها و هم پیمان‌های آنها، که هرودوت آورده است و دیگر مجال بحث از آن نیست، ولی قضیه پردازت‌ها وقتی بالا می‌گردد که به شکل حیرت‌انگیز از آن مقدمه پردازت و افسانه‌سرای، مورخ، و به هفتی که دارد نزدیک میشود، او، و داروش و سپاهش را سرگردان می‌سازد، و قرب خورده بدنبال سکاها این سو آنسو می‌برد، و سرانجام از برابر سکاها، بی‌هیچ علت منطقی دروغ آشکار شد، و در حالی که فرمانده وحشت کرده، گرایش از قول داروش‌شاه و سردارش و برادرش نقل کرده، بدان نقل خواهیم کرد، و از آن سخن خواهیم گفت، تا از همین نخستین مورد، علت چنین دروغ‌پردازیها آشکار شود.

بخش‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران

گزارشی از جراید انگلستان

سندی تلگراف - چاپ لندن

بزرگترین کنفرانس عالی تاریخ دیپلوماسی جهان

جشن شاهنشاهی

به رفیع اختلافات جهانی

کمک میکند

هفته‌نامه سندی تلگراف نشریه معروف لندن ضمن گزارشی درباره جشن شاهنشاهی ایران نوشته است ... ابتکار شاهنشاهی ایران موجب تمکین یکی از بزرگترین کنفرانس‌های عالی تاریخ دیپلوماسی جهان خواهد شد.

چنین کنفرانسی با توجه به ترکیب هیئت‌هایی که به ایران سفر میکنند مخصوصاً اهمیت خاصی بخود میگیرد.

هفته نامه سندی تلگراف پس در اثبات این عقیده میگوید ... تصور اینکه رئیس جمهوری پاکستان همراه با رئیس جمهوری هند و نمایندگان بلوچ غرب هرات با رهبران شوروی و نمایندگان دولت های شرقی در تفرقه واقع گرد آیند بخوبی میباید توجه و ماهیت نامشاهای خصوصی را که بین آنها برقرار خواهد شد نشان دهد ... چنین نامشاهای پرزددید برقع بسیاری از اختلافات مانند اختلافات هند و پاکستان و چین و توری و غیره کمک خواهد کرد.

چرا اوکلند

مرکز مذهبی جهان در جشن شاهنشاهی ایران شرکت میکنند

چرا اوکلند نیوز پیپر (روزنامه کلیسای انگلستان) نشریه مذهبی و کلیسایی موسسه «اورانت» چاپ لندن نوشته است مراکز مذهبی و کلیسای های ایران نیز در جشن شاهنشاهی این کشور شرکت میکنند.

بموجب این گزارش ستم کم یازده کلیسای مسیحی و نماز گران آن در مراسم و جشنهای دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران شرکت خواهند داشت. مراکز مذهبی که در مراسم مذکور شرکت خواهند کرد عبارتند از: کلیسای روحانی آمریکا - ارمنه کاتولیک - کلیسای آذربایجان شرقی - کلدانی‌های کاتولیک - کلیسای مسیحیان ایران - اوچالی‌های ایران - کاتولیک‌های رومی اصفهان - کلیسای مسیحیان بهران - کلیسای اوچالی‌های آلمان زان- اورتودوکس‌های یونان و ارتودوکس‌های شوروی - شرکت مراکز مذهبی و کلیسای مسیحی ایران در جشن شاهنشاهی ایران بیشتر بصورت برگزاری مراسم ویژه دعا و نماز در روزهای جشن است.

هرالد اکسپرس

ادای احترام به مهد تمدن بشر

نشریه منتقد و بر تیراژ هرالد اکسپرس چاپ «دون» انگلستان گزارشی در سوسون پیروان جشنهای شاهنشاهی ایران منتشر کرده و نوشته است ایران بیش از پنجاه کشور جهان و نمایندگان سران سایر ممالک گیتی در مراسم که در اکثر اسامی با نامتند دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بر پا میشود شرکت خواهند کرد و بان ترتیب نسبت بایران و شاهنشاهی آن بعنوان پیشتاز و مهد فرهنگ و تمدن بشری ادای احترام میکنند. هرالد اکسپرس میگوید در این مراسم رهبران جهان بدون توجه به سیستم اجتماعی و حکومتی خود و تفاوت‌های آن با یکدیگر در مراسم تخت جمشید شرکت خواهند کرد و این بی‌توجهی خصلت جهانی بودن تمدن ایران را نشان میدهد.

هرالد اکسپرس سپس شرح برنامه جشن و مختصری از تاریخ ایران پرداخته است و میگوید در تخت جمشید سیستم پست چاپاری کوشش کبیر به عنوان اولین پست منظم و «کلاسیک» نمایش گذاشته میشود.

از ژرنال

چاپ بروکسل

ایران امروز یک انقلاب حقیقی را

پشت‌سر میگذارد

تخت جمشید، آسین میراث افسانه انگیز شاهنشاهی باستانی ایران در دشتی که اطراف آن را کوهها احاطه کرده‌اند گسترده شده است. این محل که مشحون از آثار تاریخی است تا زمانهای اخیر فقط هر سال توسط چند معدودی جهانگرد ممتاز بازدید میشد. این دره که برنگ گل آخری است تا چند ماه قبل خشک و لم یزرع بود ولی اکنون در نتیجه مجزاهای توسط هزار ها درخت کاج و نخل با سرو هائی که بودی بوسیله ده ها نورافکن روشن خواهد شد سبز و خرم میشود. در واقع تخت جمشید اکنون در شرف باز یافتن جلال و شکوه باستانی خویش است چرا ایران امروز در سال ۱۹۷۱ تصمیم به برگزاری جشن بنیان‌گذاری دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران را گرفته است و آن هم در محل تخت جمشید.

برای اینکه ایران در حال حاضر مانند زمان کورش کبیر در آستانه یک زندگانی نوین، با پدینای یک دوران بلوغ طولانی است، که عده معینی میخواهند آن را درحالات سابق نگه دارند. این یک حقیقتی است. کشور شاهنشاه آریامهر امروز در کوران یک انقلاب حقیقی اقتصادی واجتماعی بسر میبرد. نفت، اصلاحات بسریزمی، سیاست جلب سرمایه گذاری خارجی و سازمان‌های جدید اقتصادی، ایران را به صورت کشور مدنی، در آورده که در رأس کشور های درحال توسعه قرار گرفته است. این امر چنانکه میدانیم در سابقه سیاست دوراندیشانه و مؤثری است که استقلال اقتصادی کشور را درصالح نگه داری میکند.

آینده برآزشادی
بنابراین جشنهایی که در ماه اکتبر برگزار خواهد شد نه تنها بمظنون بزرگداشت



روزنامه در جهان

میشود که این جشن‌ها که بیش از همه جشن تازه‌ای عده نام برد: اعلیحضرت بودون از بلوگ، سلطان حسین دوم از مراکش، اعلیحضرت نوردیک از دانمارک، اعلیحضرت کنستانتین، یونان، اعلیحضرت هایل‌سلای، مصر امپراطور اتیوپی، حضرت نیکلای پادگورسی رئیس جمهوری شوروی، حضرت گوستاو هاینمان رئیس جمهوری آلمانری، حضرت مارشال تیتو رئیس جمهوری یوگوسلاوی، حضرت پرزیدنت سوارتو رئیس جمهوری آلبانی، حضرت چائوشسکی رئیس جمهوری رومانی، حضرت جودت سونای رئیس جمهوری ترکیه، حضرت سنگسورا رئیس جمهوری سنگال، بدیرش های بعدی نیز اعلام خواهد شد.

بجز برای تقویت توریسم بطور کلی اظهار نظر

منچستر اونینگ نیوز

کهن ترین پادشاهی جهان

نشریه منچستر اونینگ نیوز در مقالهای تحت عنوان «دوهزار و پانصدمین سال تولد» نوشته است: در اوایل سال جاری مسیحی پادشاهان، ملکه ها، رومیان جمهوری ها و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران که در تخت‌جمشید پایتخت ایران باستان بر پا میشود رهبران ایران از زمین تخت طاووس خواهند شد. این نشریه نوشته است ایران صاحب کهن‌ترین پادشاهی های جهان است و گمانی در مراسم حضور خواهد یافت که در برخی موارد وارث حکومت‌های نظیر حکومت ایران هستند. هیلانسی امپراتور اتیوپی که از نظر نسب و نودمان سیدمان نبی و ملکه سیمیرد از جمله اینانند. منچستر اونینگ نیوز نوشته است در این مراسم سانس و درود بشرت خصوصاً تار خاطره کورش کبیر خواهد شد که اولین اعلامیه حقوق بشر را در پیست و پنج قرن پیش تقریباً با ملکه و نرسی‌های نوین و امروزی صادر کرد.

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران

نشریه من و وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با جراید کشور و ایرانی با تیراژ کلیه روزنامه‌ها چاپ و منتشر میشود.

توبه و تنظیم پیرنظر: ایرج نبوی

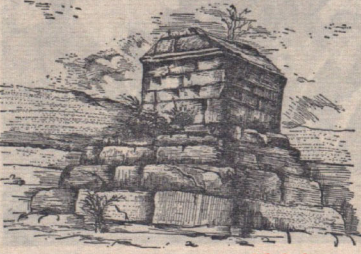
باخوانندگان

... بنگال بن برترین خدمتگزار شما انجام میدهد. هفتاد و هفت خود اندک کرده اند. این است تاریخ ایران از روزهای گذشته که من می نویسم. پیشگاه کور که بی این پرسشها ترسید است و دود که در دوس تاریخ (در طرح مختلف، دستان، درپشتهای و دانگه) یک بار مورد بررسی و تفتیش نظر قرار گیرد و مباحث علمی تاریخ و اوقاف برای وزارت کتبخانه درسی شود، این خدمت بزرگی با گاهی طبقه دانشجو و دانشپژوه کشور است.

روزه تاریخی تحت جنبش بطور زنده و سوله تلوژیون علمی ایران از راه ماهوارههای ماهراتی در سراسر جهان پخش خواهد شد و پیش بینی میشود که حداقل سیصد میلیون نفر در پنج قاره دنیا نظر آن خواهند بود.

شب هفاد روز، شاهنشاه و هیاتهای ایران و میهمانان عالیقدر ناظر اجرای برنامه هنری «نور و صدا» در تحت جنبش خواهند بود. در این برنامه که یکی از جالبترین قسمتهای مراسم جشن شاهنشاهی است، بر اثر ترکیب بدیع و هرمنهات نور و موسیقی و انتقال واقع، تاریخ تحت جنبش و زندگی شاهنشاهان بهمانندی و سوانحت مختلف این بنای با عظمت و اجدادی، بصورت جالب و هیجانانگیزی در نظر بینندگان علمی خواهد شد. این نمایش نور و صدا در تحت جنبش بعد از آن تاریخ، مدتی برای آماده نمودن ایران و جهانگردان خارجی، ادامه خواهد یافت.

در شبهای ۲۲ و ۲۳ مهرداد، از طرف انجمنترین ذویافت شام باغشاه میهمانان عالیقدر در تحت جنبش ترتیب خواهد یافت که یکی کاملاً رسی و دیگری ضیافتی تمام باغها و سرزمینهای هری کاملاً ایرانی خواهد بود. در شب اول شاهنشاه آریابهر نظر علمی خطاب به تمام میهمانان، در بر گزیندن اجتماع تاریخی سراسر کشورهای جهان ایراد خواهد فرمود. قبل از آغاز روزه بزرگ تحت جنبش، یکی شاهنشاه تقی میری اظهار خواهد نمود.



در پاسارگاد

مراسم رسمی جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، در ساعت ۱۱ بامداد روز شنبه ۴ مهرداد ۱۳۵۰ (۱۴ اکتبر ۱۹۷۱) با حضور انجمنترین هیاتوزر شاهنشاه و عالیجنابان شهسای ایران در برابر آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد آغاز خواهد شد. شاهنشاه در این ساعت دهنه گلی با مراسم باشکوه نظامی نثار آرامگاه بنیانگذار شاهنشاهی ایران خواهد کرد، و نقی تاریخی ایراد خواهد فرمود که بوسیله رادیو و تلویزیون در تمام کشور پخش خواهد شد. سی سی ملی مراسم خاصی برچشم هخامنشی و برچشم شاهنشاهی بفرزاد آرامگاه کوروش افراشته خواهد شد، و مقارن باشکوه یکصد و یک نفر توب مراسم نمایش ملی و شکرگزاری در سراسر مملکت، در هر شهر، هر محله، یادگانه، مدارس، کارخانها، مساجد، ادارات و غیره انجام خواهد گرفت.

در مراسم پاسارگاد، هشت دولت و مقامات عالیتریه مملکت، واحدهای نظامی، نمایندگان سپاهیان انقلاب، دانشمندان و کنگره جهانی ایرانشناسی، نمایندگان اقنیهایی مذهبی ایران و نمایندگان مذاهب مختلف سراسر جهان حضور خواهند داشت.



در شیراز

عصر روز بیستم مهرداد، کنگره بزرگ جهانی ایرانشناسان در شیراز آغاز بکار خواهد کرد. این کنگره مرکب از دانشمندان ایرانشناس برجسته کشورهای مختلف است که به منظور تشکیل بزرگترین اجتماع علمی مطالعات ایرانشناسی از طرف شورای مرکزی

در تهران

روز ۲۴ مهرداد، عالیجنابترین و میهمانان عالیقدر با هوایبها های مخصوص از تحت جنبش عازم تهران خواهند شد و بقیه مراسم سر و سنج در روزهای ۲۴ و ۲۵ مهرداد در پایتخت کشور انجام خواهد گرفت.

بعد از ظهر روز ۲۴ مهرداد، میهمانان عالیقدر باطاق برای ادای احترام در آرامگاه انجمنترین شاهنشاه کوروش حضور خواهند یافت، و سپس در مراسم گشایش بنای «شهرت آریابهر» شرکت خواهند جست. این بنا که به یادبود دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران ساخته میشود، در قریب ۵۰۰ مترمربع ساخته شده، و باغ و محوطه پیرامون آن جنما ۱۵۰۰۰ مترمربع فراگیرد. در این بنای عظیم، تمام شهسایهای معاصر اصول ادوار مختلف تاریخ ایران، و ترتیبات هنری خاص هر دوره بکار رفته است، بطوریکه این با بناوند نمانده ۱۵۰ سال معاصر وزیر ایران باشد. طبقه پایین بنا شامل یک نمائنگاه هنری ابتکاری و سببیسابقه ساخته شده که در آن تمام تاریخ سیاسی و فرهنگی واجتماعی و هنری در طول پنج قرن بیکجا آبیاری تاریخی و هنری، و اسلاید، نور، موسیقی و تصویر به بینندگان عرضه میشود، و حقا باید از یکی از شاهکارهای هنری دانست. این نمائنگاه بعد از افتتاح مورد استفاده عموم قرار خواهد گرفت.

روز ۲۵ مهرد، استادبوم صددهزار نفری تهران در حضور عالیجنابترین و میهمانان عالیقدر پانایشهای بزرگ ورزشی گشایش خواهد یافت، و شب آرزو در معین در تالار رودکی در نمایش برای چاپی مربوط به دوران هخامنشی شرکت خواهند جست. از روز بعد، میهمانان عالیقدر تدریجا به شهرهای یازده خواهند گشت.

سپاهیان، مدافعان اندیشه اهورائی

بهای از صفه ا...
 ۱۵ تا ۵ سال بود، میبایست به سپاه شاهنشاهی پیوستند، و آمانی یافتند یا در ارتشباران، بدفاع از آب و خاخ خود، و یا در کوششهای باغبانیسپاهاندیشه، برخیزند. سپاه، در آن روزگار به دو صوفیه پیداه و سواده تقسیم میشد. سپاهیان، به تیر و زره و کمان و خنجر و کتله و لابلان و سپر، و کلاه و مجهز بود. افراد این دسته کلاهزنی برسر میبندادند و لباس آنان از چرم بود که تا زانو میرسید. افسراد سواره نظام علاوه بر سلاحهای گوناگون، اسبهای کوهنیز بودند. بزوبین هم مسلح بودند. افسراد سنگین اسبچه، جزء صفا سواره نظام محسوب میشدند و از خود نظامی میبندادند و «زده» میبندادند و کلاهخود و ساقینه همراهنداشتند و اسبان خود را بر کتله سوار میبندادند.

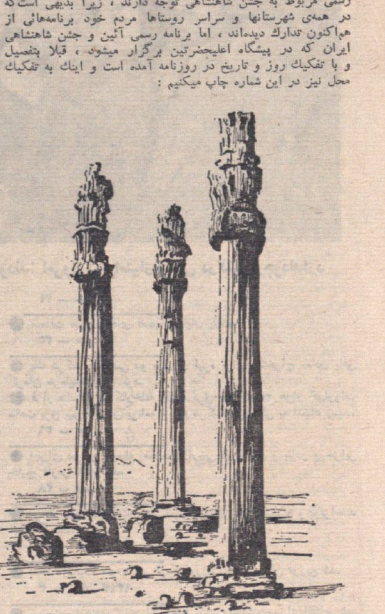
سپاه ایرانزمین، در نیردها، به راهنمایی شاهنشاه، از شهسای خاص سود میجست. نخست دشمن را زیر ضربات خردکننده پیکانهای خود قرار میداد و آن هنگام که نظم در صفوف دشمن دستخوش آشوب میشد، سواره نظام، بر او میبشت و شویک و دیکر هم، چون شیوه جنگی گزیر، مورد استفاده قرار میبندادند.

سپاهیان ایرانزمین، آماده بودند تا همه جا عمل و داد را بگسترانند و بنیاد ستم و ستمکاری را از زیر بکنند. همانگونه که امروز هم، مشاهده این وظیفه انسانی هستیم امروز هم، طوفان شاهنشاه بزرگ مشق و تکیه بخت، جوانان، پس از فراغت از تحصیلات متوسطه و در سن ۲۰ سالگی به خدمت و بزرگترین فرخوانده میشوند تا زندگی سپاهیانگی را دریابند. از آن در راه ادامه هستی خود، سود جویند و فسادهای انجمنترین فراگیرند تا قلمی که اندیشههای شیطانی در سرودنشان بفسگال نطفه بست، پیش از آنکه او بتواند بریکسر تاوان اندیشهی بدلی پالن عمل بوشد، و را، و اندیشهش را از کلههای از دامان گیتی بزباید. داد و بگسترند. بر سر اندیشهی فرین جوانان برومند سپاهیان.

جشن ها

آقایان قریبون مساوات، حسن شمسای، محسن صاداتی، خانها، با طهور ضعیفی و کنگره دارالی سواال کردهاند، ما برنامه جشنها را بطور تفصیل در روزنامه شما و سایر مجلهها خواندیم. اگر ممکن است، این برنامهها را بابتبکابتک از نظر خبرسناهای مختلف در روزنامه بیابورند.

— حضور ما این است که این عهد از خوانندگان عزیز به برنامه رسمی مربوط به جشن شاهنشاهی توجه دارند، زیرا بدیهی است که در همین جهتتیا و سراسر روستاها مردم خود برنامههای از هاکورن مبارک بدینانه، آیا برنامه رسمی آکین و جشن شاهنشاهی ایران که در پیشگاه عالیجنابترین برگزار میشود، قبالا تفصیل و با تمکیک روز و تاریخ در روزنامه آمده است و اینک به تمکیک محل نیز در این شماره چاپ نمیکند.



در تحت جنبش

در روزهای ۲۱ و ۲۲ مهرداد بتدریج میهمانان عالیقدر شاهنشاه و هیاتهای ایران (پادشاهان، روسای جمهوری، شاهزادگان، امارا و غیره) با هوایبهای مخصوص وارد شیراز شده و بلافاصله عازم تحت جنبش خواهند شد و در آنجا از طرف عالیجنابترین مورد استقبال سراسر قرار خواهند گرفت. حضور پنجاه رئیس کشور و ده زبانی از میهمانان عالیتریه دیگر شاهنشاه و هیاتهای ایران، که نظیر آن تاکنون سابقه نداشته است، تحت جنبش، مرکز با عظمت شاهنشاهان هخامنشی را مجددا در روزهای جشن، بخصوص فروروز تاریخی و فروردین نلدانی ۲۳ مهرداد ۱۳۵۰، بصورت مرکز نقل جیان درخواهند آورد.

روز ۲۳ مهر، (۱۵ اکتبر) روزه بزرگ و تاریخی ارتش شاهنشاهی در برابر عالیجنابتر شاهسای شاهنشاه آریابهر، و عالیجنابتر شهسای ایران، کلیه میهمانان عالیقدر عالیجنابترین و اجنای خاندان جلیل سلطنت، و تفت دولوت و نمایندگان سا و مجلس شورای ملی، کورولیمبلیات، نمایندگان کمیتههای بین المللی کوروش کبیر، دانشمندان و کنگره جهانی ایران شناسی و شخصیهای برجسته دیگر کشور در مقابل تحت جنبش انجام خواهد گرفت. در این روزه که در ساعت دویستم بهمنظرفی آغاز میشود، نخست واحدهای ویژه ارتش شاهنشاهی با لباسها و پرچمها و ساز و رنگها و آریابها و تجهیزات دورههای تمام تاریخ شاهنشاهی ایران (هخامنشی، اشکانی، ساسانی و سغاری، دیلمی، صفوی، افشار، زند، قاجار، پهلوی) و سپس واحدهای ارتش کشور شاهنشاهی و در دنبال آنها واحدهای سپاهیان انقلاب، از برار مدعوون خواهند گشت. حضور هر شته با مراسم مخصوصی که برای همان دوره ساخته شده است همراه خواهد بود.

لیبنا، پرچمها، ساز و طبل و رنگها، آریابها و سایر تجهیزات این واحدها، در طول نماز طالعها و تقیق و اعراس استاد و مبارکات تاریخی دانشمندان و شکرشناختن برهنه، براساس استاد و مبارکات تاریخی و تقیق تعیین و شکرشناختن شده است. بطوریکه حاکم صحت و امانت درمورد آنها تقصیر شده باشد.

روزنامه جشن شاهنشاهی

روزنامه انقلاب سفید
 ۱۳۶۱ بهمن ۶
 روزنامه شماره ۱۳۶۱
 روزنامه انقلاب سفید



اول مهرماه ۱۳۴۲ - شاهنشاه بمناسبت روز دهقان فرمودند: امروز دیگر امتیاز طبقاتی در کشور وجود ندارد

۲۱ - مهر
 اسلحات خیابان های استان پایان یافت.
۲۰ - مهر
 پاك شركت انگلیسی در میلیون لیره برای استخراج معادن باقی کرمان سرمایه گذاری کرد.
۱۹ - مهر
 فرید داد خرید کارخانه جدید برق بقدرت ۲۵ هزار کیلووات ساعت برق بین سازمان برنامه و پاك شركت امریکایی به امضاء رسید.
۱۸ - مهر
 اجرای دومین مرحله اصلاحات ارضی در فارس و بندر و جزایر خلیج فارس آغاز شد.
۱۷ - مهر
 مرحله دوم اصلاحات ارضی در خوزستان - کبکیویو و بویراحمد اعلام گردید.
۱۶ - مهر
 اسناد مالکیت ۱۰۰۰ نفر از کشاورزان دشت میقان توزیع شد.
۱۵ - آبان ۱۳۴۴
 در کشور شاهنشاهی ساختمان چندین شرکت واحداثتوبوسرانی افتتاح شد.
۱۴ - آبان
 شاهنشاه در سلام ۴ آبان فرمودند: «ما فساد را در هر جا که باشد ریشه کن نمیکیم. دیگر کوچکترین خطائی اغماض نمی شود.»
۱۳ - آبان
 قرار داد توزیع بزرگترین جت هواپیما در فرودگاه های قندهار و کابل - توسط شرکت ملی نفت ایران امضاء شد.
۱۲ - آبان
 دانشسرای مقدماتی بندر عباس گشایش یافت.
۱۱ - آبان
 اسناد مالکیت ۸۵۳ کشاورز در شهرستان بیجار توزیع شد و پایانه مرحله دوم اصلاحات ارضی اعلام گردید.
۱۰ - آبان
 طرح تکمیل و تجهیز هنرستان پسران در سه شهرستان رشت - ساری و کرمان با اعتباری مبلغ ۴۷۲۰۰۰۰۰ ریال تصویب رسید.
۹ - آبان
 این هنرستان ها شامل کارگاه های فلزکاری - درودگری - برق و مکانیک و اوبوسیپل میباشند.
۸ - آبان
 حفاظت و سه درمصد کارهای مقدماتی بندر عباس انجام شد. تاکنون هشتاد میلیون ریال خرج تأسیسات این بندر شده است.
۷ - آبان
 قریه نویناد «نورهمه» از قراء زلزله زده تفریق افتتاح شد. و در اختیار اهالی قرار گرفت.
۶ - آبان
 برای تجهیز مدرسه مس درویش آباد در ۱۸ کیلو متری زنجبان ۱۱ میلیون ریال اعتبار تصویب شد.
۵ - آبان
 حفاظت پل «دکترنورده» در بندر پهلوی شروع شد. این پل از نوع پلهای فلزی است.
۴ - آبان
 در قراء اروا ۷ آموزشگاه توسط سباهیان دانش افتتاح شد.
۳ - آبان
 در پیشگاه شاهنشاه مرکز پزشکی فیروزگر گشایش یافت. این بیمارستان دارای ۱۵ هزار متر مربع زیر بنا و مسیهد تشخیص است. پختنای مختلف جراحی - درمانگاه - رادیو لژی - آموزشگاه - اسنایلیژیسیون - زبانگه - کودکان و سرانه و سایر تأسیسات بیمارستانی است. مخارج احداث این بیمارستان ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال شده است.
۲ - آبان
 در پیشگاه شاهنشاه مرکز پزشکی فیروزگر گشایش یافت. این بیمارستان دارای ۱۵ هزار متر مربع زیر بنا و مسیهد تشخیص است. پختنای مختلف جراحی - درمانگاه - رادیو لژی - آموزشگاه - اسنایلیژیسیون - زبانگه - کودکان و سرانه و سایر تأسیسات بیمارستانی است. مخارج احداث این بیمارستان ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال شده است.

۱۱ - مهر
 قیمت آب در حومه تهران ۲۵ درصد تقلیل یافت.
۱۰ - مهر
 اعتبار ساختمان ۱۹۴ خانه مسکونی در نازیآباد تهران برای سکونت درجداران تأمین گردید.
۹ - مهر
 در استان کیلان اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی اعلام شد.
۸ - مهر
 در تشریح پارک باغ فرموس بهمساحت ۱۰ هزار متر افتتاح شد. این مسهل قیلا کاغذ بیلابلی مصدعهای آه قاشاب بود.
۷ - مهر
 تأسیسات آب آشامیدنی شهرستان کرگان موزه بهسرمبررداری قرار گرفت -
۶ - مهر
 مراسم توزیع اسناد مالکیت ۲۸۵ نفر از اهالی قریه «آقچهزار» از قراء زلزله زده تفریق بعلل آمد.
۵ - مهر
 ساختمان ۱۵ دبستان ابتدایی از محل درآمد اوقاف در دهات موقوفه ارک شروع شد.
۴ - مهر
 بهرمبررداری از تأسیسات نیروگاه آبپورق شهرستان کرج شروع شد. دستگهای مجهز این نیروگاه قادر تولید روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار کیلووات ساعت برق است.
۳ - مهر
 قراردادهای اسفالت خیابانهای تربت حیدریه در استان خراسان امضاء شد. هزینه این طرح ۶۹۷۰۵۹۱ ریال میباشند.
۲ - مهر
 در استان مازندران شروع مرحله دوم اصلاحات ارضی اعلام گردید.
۱ - مهر
 آموزشگاه مجهز و مدرن شش کلاسه باصرف هزینههای مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و در زمینی بهمساحت ۸۰۰۰ متر مربع که ۷۱۸ متر آن زیربناست و گنجایش ۳۲ دانشآموز را دارد برای استفاده فرزندان کارگران شرکت نفت مشهد - افتتاح شد.
۱۶ - مهر
 برای جلوگیری از ایجاد ساختمانهای نامنظم در شهر توسط شهرداری پلای ساختمان تشکیل شد.
۱۵ - مهر
 اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی در بندرعباس اعلام گردید.
۱۴ - مهر
 عملیات ساختمانی برای تکمیل تأسیسات بندر زحمانو در کنار دریاچه علیاحضر شروع شد.
۱۳ - مهر
 در بهترین بهره برداری از تأسیسات آب آشامیدنی تصفیه شده آغاز شد.
۱۲ - مهر
 اعتباری برای اجرای طرح های مختلف صنعتی در استان آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی تصویب رسید.
۱۱ - مهر
 در حضور علیاحضر طرح پهلوی ساختمان جدید و تأسیسات تازه اردوی کار مشهد افتتاح شد.
۱۰ - مهر
 شبکه لولهکشی آب آشامیدنی شهرستان شاهی مورد بهره برداری قرار گرفت.
۹ - مهر
 برای تشریح خیابانهای تهران و شیراز ۶۰ میلیون ریال اختصاص یافت.
۸ - مهر
 طرح ساختمان راه شیراز - بوهران با اعتباری مبلغ دو میلیارد و پنج میلیون ریال تصویب رسید.

۳۰ - شهریور
 عملیات ساختمانی کارخانه تولید دیگکودوبیز با سرمایه ۳۰ میلیون ریال شروع شد. این کارخانه درسال ۵۰ هزاردیگکودوبیز تولید میکند.
۲۹ - شهریور
 بانک اعتبارات کشاورزی اعلام کرد برای خرید پنبه - کود شیمیائی و وسائل کشت و باغداری - دامداری - مرغداری - خمر چاه - عنبر و نیمهعنبر - تعمیر قنات - سدسازی - آبیاری - درخواستوا قبول میکند.
اول مهر ۱۳۴۲
 شاهنشاه بمناسبت برگزاری مراسم روز دهقان فرمودند: «اصل اجناتی ایران طوری است که صنایع نفت و ارتباطات و راه آهن، برق، دخانیات و هر چیز که جنبه کنترل داشته باشد ملی است - در اقدامات اجناتی برای تأمین رفاه و آسایش اکثریت بهاندازهای خارج از انتظار جابو رفاه کم که باید بحقیقت گفت از این حیث از ممالکسوسیالیستی مانند سوئد و نروژ هم در مراحل اول پارا جلوقر گذاشته ایم - امروز دیگر امتیاز طبقاتی در مملکت وجود ندارد - سباهی بهمسام ترویج آبادانی تأسیس خواهد شد - انقلابی که در روز ۶ بهمن پایهبریزی کردیم مترقیترین اجتماع را بوجود آورده است و اکنون باید درراه سازندگی کوشش کرد.»
 در پارک شهر تهران برای نگهداری از فرزندان کارگران باغ کودک ایجاد شد.
 اولین مزرعه «موزه» در ایران به بهره برداری رسید.
۲ - مهر
 طرح تأمین روستائی فرودگاه شیراز با اعتباری مبلغ نه میلیون و نهمصد و سی و چهار هزار ریال بتصویب هیئت عامل سازمان برنامه و بودجه ملت اجرای این طرح يك سال و اداره آبپورق مامور اجرایی است.
۱ - مهر
 در حضور شاهنشاه و علیاحضر طرح پهلوی مراسم بنیان گذاری پارک بزرگ جلالیه انجام شد.
 در حضور علیاحضر شهناوی ایران اولین کنگه ساختمان مرکز دانشجویان برای ایجاد مرکز تفریحات سالم دانشجویان دانشگاه سا ۸۰ میلیون ریال هزینه بهزمین زدند.
 شروع ساختمان ۱۸ طبقه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران با ۱۳۰ میلیون ریال هزینه آغاز گردید. این کتابخانه گنجایش یک میلیون جلد کتاب را خواهد داشت.
۴ - مهر
 ساختمان ۱۸ آموزشگاه ابتدائی روستائی در قراء اطراف استان شروع شد.
 بودجه دارویی وزارت بهداری ۷۵ میلیون ریال افزایش یافت.
۵ - مهر
 وزیر دادگستری دستور امتیازات ۱۰ خانه اضافی را در دورقیه از توابع استان ۴ قریه از توابع شهرضا و ۴ قریه از توابع کاپانگان صادر کرد.
۶ - مهر
 عملیات ساختمانی احداث مرکز تلقین سه هزار شهرداری شهرستان پابل در استان مازندران شروع شد.
۷ - مهر
 سیزده آموزشگاه ابتدائی در روستاهای ساری شروع بکار کرد. این آموزشگاهها توسط سباهیان دانش و کمک اهالی محل ساخته شده است.
۸ - مهر
 در شهر مشهد تأسیسات لولهکشی آب آشامیدنی مورد بهره برداری قرار گرفت.
 عملیات آسفالت خیابان پهلوی و خفر اولین چاه عنبر در شمال غربی تهران آغاز شد.
۸ - مهر
 تأسیسات آب آشامیدنی و لولهکشی شهرستان شاهی در استان مازندران شروع بکار کرد.
۹ - مهر
 مرحله دوم اصلاحات ارضی در سراسر استان لرستان اعلام شد.
 اجباری مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال برای توسعه آموزش و پرورش در باندر و جزایر دریای عمان برای ساختمان ۱۲۸ دبستان ۶ کلاسه ۱۲۲ دبستان ۲ کلاسه و ۱۰۰ دبستان کبری تصویب رسید.
۹ - مهر
 در شهرستانهای بویرجه - الیکودرز و خرآباد اسناد مالکیت کشاورزان منتقله تصفیه شد. و مرحله دوم اصلاحات ارضی در این استان اعلام گردید.
۱۰ - مهر
 عملیات ساختمانی احداث دومین لوله نفت زرددریای از بندر کنارک به جزیره خارک خاتمه یافت - طول این خط لوله ۱۴۳ کیلومتر است و با احداث آن میزان صادرات نفت از جزیره خارک ۵۰۰ هزار بشکه در روز بالغ شد.
۱۰ - مهر
 نهمصد و بیست قلعه زمین بهمساحت ۱۵ هزار متر مربع بین کارمندان رسمی و روزهیدراماچن جنوب تصفیه شد.
 شش خانه اسفالت در استان آغاز بکار کرد.

تحقیقی تاریخی در سلسله اسامی و عاظمی

تسلیم سردار احمد علی دانشمند تبریزی ترجمه: دکتر صبیح بنام

علا ، نه تنها هردود ، و گزنفون ، بلکه تمام مورخان قدیم یونان و قرون وسطی که راجع به کوروش عقیده ای اظهار داشته اند ، او را از بسیاری جهات در بالای تمام فرمانروایان تاریخ قرار داده اند. ماضی سمند از توراتی که راجع به کوروش نوشته شده بدین در اینها ذکر کردیم ، ولی بنده ای دیگری نیز از همین قبیل در این کتاب مقدس دیده میشود . اما منصف خصمی کوروش بر ملل تابش اخلاقی داشت. منصف رسی ایرانیان در عهد کوروش بزرگ منصف اهورمزدا بود . ما اطلاعات نامر را راجع بنحسب داریوش از کتیبه های داریوش در تخت جمشید و خصوصا در بیستون میتوانیم کب نماییم . در بیستون داریوش در کنار کتیبه فعلی نشان داده شده در حالی که دست راستش را بر بر نشانه بر سرش اهورمزدا بلند کرده است. اهورمزدا در کتیبه منقسم کب بزبان پهلوی نوشته شده بنامی دانا ، و کسی که عوایر ه بود است. و هت و خواهد بود ، روح ستیافتنی ، روح روحها بر منفر شده است. کوروش نخستین کسی بود که منصف اهورمزدا در کوشش اشاعده . ولی او در بالای تمام منصف معمول دزدگان قرار داشت . ایران لست ، در کتای که تحت عنوان زندگی نگارنده منتشر نموده است . میگوید : « او فریاد بلند و وسیع داشت ، و مسکن است کفر گری کدر و راه منصف خصمی ، و گشته از اهورمزدا برورد گری بر جهان حاکم از تمام کس نشناخته است. او هر چه در نتیجه بامی انکار پذیرشش بود که دستور بر یاکرین مجد پرستگاه بیت المقدس را داد .

درفران شریف صحت از خصمی بنام ذوالقرنین هست. تاریخ قریشی عهد معاصر داشته که ذوالقرنین اسکندر است. مذاکره تاریخی نشان میدهد که این مطلب صحیح نیست. مولانا مصطفی لاجوردی مولانا و علامه آزاد نخستین کسانی بودند که کوشش کرد نشانند که ذوالقرنین کوروش بزرگ بود است. « دینا جانتی مانیاخویم جزایت ایمن دارفرزا از افراسیابیم. ولی دو مصلی را که نظر محققان فوق نگشته در اینجا میآوریم.

یکی مربوط به او ای است که کوروش دیش گرفت. در قرآن شریف در سوره ۸۸ آیه ۸۵ نوشته شده است « فالتینینا و بینی است تمسب کوهان ایدرا - ای همان راهی است که هردو بنی ازان صحت میکند نکه دیگر در آیه ۹۰ سوره فوج ذکر شده : « حتی لملئیکه علیک علیس و بدحا ملئیکه اقوم و بینی آینه است از کتای که آفات انبیا بشنود و آثار انبیا برینش درخشید که بنون کسی توانسته است از ایدر باها را بطریق ماسد را کتای تمسب کوهان یا باخلاقش ما است یعنی که هر دو در اصل از یک تن ، و از یک ملت هستند که صحت میکند که هر دو منصف ملک ساری باشند . و تصور میکند که از آیه اولی آنکه در منصف ملک کسی روزی میگردد . و ما نتیجه می شویم که قرآن در مورد دیدار تاریخی مطابقت نیاید . مطلب دیگری که نشان میدهد ذوالقرنین آنرا کوروش است این است که با هیچ راجع که بنابر کتاب ، در کتبسنواری هر دو با یکسایه با هیچی چاپ کرده اند . « در قرآن شریف نام آنرا به روش دستور گردانده همان یکسایه بود ، و زمان اسکندر وجود نداشته است. بنابراین اگر بخوایم با هیچ و ماجرا را بدوره اسکندر نیست بهم کاری خلاف منطقی کردیم .

از این باقی برای تمسب کوروش بزرگ کسی است که مکتب مقدس تورات وهم قرآن شریف از او بعنوان کسان واقعی صحت کرده اند .

او مردی بود دانا ، عادل ، بزرگوار ، شجاع و مهربان ، درازنده آزروهای بلند ، دارای رفتاری ساده ، بدون تجمل ، و کوروش از اباغی بود نگاه نمیداشت در مورد کسی که دیگران در ازمایش می توانست رفتارها را بخوبی عادی میفرمودند . او اعتقاد داشت که کسی می تواند بر دیگران حکومت کند که خود را لایق فرمانروائی دیگران بداند . راجع به کوروش بنویسند او مباحثش ذکر کرده است : « آریستاروس در سوره ۳۳ کوروش را با او مکتب است . در آن سخن دارم بسیار قوی و عاقل است . در سلسله ای ما در آن زمان ای دیگری هست که بسیار آرا و حاصل جزایست . اکنون کما قدرت کافی دارم چرآن سرزمین ها را تصرف نمی کنم یا بنویسم . رفاه زندگی کنیم « ۴۴۴

کوروش در جواب میگوید : « سرزمینها از تمام سرزمینها پر ابرتر است همین دلیل که اگر کس در آن مشکل تراست ، زیرا سرزمینهای پر حاصل و کوشش مردان مست کجاست بجز می آید بهر حال با نیک بودن سرزمینهای مباحات میگوید « این مطلب که سرزمین ما های کبر حاصل مردم شجاع بیار می آورد میگوید « توینج ، در کتاب « مطالعاتی در علم تاریخ » خوبی روشن شده است .

فرسودر مرتسد که در سال میلادی در تاریخ ۱۹۲۸ کارش های بعمل آورد (این اکنون ۲۵ میل یا شوش قاصه دارک ویرانه های سرزمینهای دیگری هست که بسیار آرا و حاصل جزایست . اکنون کما قدرت کافی دارم چرآن سرزمین ها را تصرف نمی کنم یا بنویسم . رفاه زندگی کنیم « ۴۴۴

کوروش در جواب میگوید : « سرزمینها از تمام سرزمینها پر ابرتر است همین دلیل که اگر کس در آن مشکل تراست ، زیرا سرزمینهای پر حاصل و کوشش مردان مست کجاست بجز می آید بهر حال با نیک بودن سرزمینهای مباحات میگوید « این مطلب که سرزمین ما های کبر حاصل مردم شجاع بیار می آورد میگوید « توینج ، در کتاب « مطالعاتی در علم تاریخ » خوبی روشن شده است .

فرسودر مرتسد که در سال میلادی در تاریخ ۱۹۲۸ کارش های بعمل آورد (این اکنون ۲۵ میل یا شوش قاصه دارک ویرانه های سرزمینهای دیگری هست که بسیار آرا و حاصل جزایست . اکنون کما قدرت کافی دارم چرآن سرزمین ها را تصرف نمی کنم یا بنویسم . رفاه زندگی کنیم « ۴۴۴

گرمی نبودند . آنهاویز با عنوان یکنجات همتند پذیرفته و در این زمان است که در تورات بنامی اضافه میشود : کوروش ، چوان مرآت ، اوست که آرزوهای مرا خواهد آورد ، و پرستگار را خواهد نمود . او اراده مرا بپوش اجرا خواهد گشت ، ملت ها پیش را خواهند بوسید ، پادشاهان را برایش تسلیم فرود خواهند آورد ، تمام درها در برابرش باز خواهند شد . ماورا برای اجرای عدالت مامور کردیم و راهها را در پیش پایش باز کردیم . او را برای زانو برینا خواهد کرد و ملت را از اسارت نجات خواهد داد که بهر زمین خود برگردد . (نفلاز اشعیا بند ۴۴ و ۴۸ و ۴۵)

درواقع وقتی کوروش بالبریا تصرف دارود دستور داد میگوید : « بعد از زانو برینا کردم و قوم اسرائیل را در سرزمینش روانه کردم . پس ازان کوروش تمام شهرهای یونانی نشین آسیای صغیر را نیز ملحق ساخت و تنها کوشوری از نذای متشد آنروز که خارج از حدود کوشش مانده بود مصر بود .

ولی در این هنگام کوروش عازم مشرق اریان گردید و ناحیه افغانستان کنونی و بالتر از آن را نیز جزو شاهنشاهی ایران کرد . داستانهای که هر دو راجع به عقاید کوروش نقل میکنند مطمئن نظر نیستند و با این حال ما آنرا نقل می کنیم . وی میگوید کوروش پس از تصرف بابل تصمیم گرفت قوه « مملکت عراق » در مشرق ایران بودند ، و موضعی تصور کرده اند که همان سکایها بودند که طبع خود سازه .

در این قوه ماسزها را ملکای تحت فرمان خود داشت که نامش « تومیریس » بود و بجای شورش بر آن مرگ و بی باغیهای « ماسزها » رسیده بود .

کوروش بلند میاید از او فرستاد و او خواستگاری کرد تومیریس تقاضای او را رد کرد زیرا فکر میکرد که قصد اصلی کوروش تصرف سرزمین اوست . در جنگی که میان کس ایران تومیریس و کوروش در گرفت کوروش کشته شد . اگر کسی بماندست مرگ کوروش که هر دو وقت نقل کرده کوشش تصور می کند که کشته ای او مطابق با حقیقت است ، ولی در عمل او بصورت دیگری رسیده است . اکنون ب ذکر خصمیات اخلاقی و رفتار کوروش بزرگ میپردازیم .

هر دود تمسب کوهان و ایرانیان میگوید داریوش یک مدبر . کسبویجک یک فرمانروا و کوروش یک پهلوی بوده است . زیرا داریوش در عهد امروار مدبر نیز بود . کسبویجک کسبویجی مدبر و بی باک میگرد . هر دود اضافه میکند : « جمع ایرانی مرگ شد بود ، و ولی کوروش مهربان بود و ما همه تابناش ماند بر رفتار کوروش که خورا می تواند با کوروش مقابله کند . « این پس یک کوروش ارزش زیاد کافایت بود و از صمیم قلب او پذیرد می نمایند .

کوروش و ارامنیان ، « ماسیان » ، « هخامنشیان ، « کوروش و هخامنشیان خصمی ازان بودند ، و با تایلان ، « دورزیسان ، « و زرمینیان ، « و ازان ، « و ساردیان ، « و دوریگان ، « و سارکانیان ، « و صراگرد بودند ، همه فرمایروائی کوروش بر آمدند ، و ازان فرمان حکومت کوروش ملج و آرامش داشته که قبل از هرگز آن فرورداد میبود است .

از سال ۵۴۹ پیش از میلاد کوروش خورا پادشاه انان اعلام نمود ، بنا تکثیر سال ۳۳۴ پیش از میلاد مسیح که وارد شهر بابل شد ، و بصورت بدون خورزی زیر اطاعت خود دارود معلوم میشود که فرمانروای ماهر و زیر دست بود است .

مانیز چند کله از عقاید منصفی کوروش باید بحث کنیم و در اینجا متذکر می شویم که این مطلبی که این شاهنامه قوم اسرائیل را به بی باکیت و بی باکیت نامید خورا میماند و با کاهنان پرستگاه ببل هم در کله آزادی انجام تشریفات منصفی خودشان را اطاعت کردندمانند همه که اعتقاد باین داشته است که عقاید منصفی باید میان تمام ملل آزاد باشد .

او بسیار دانا و باهوش بود . او داندانی او داستانهای چندی حکایت کرده اند . مثلا در هر دود و قیامت کوروش که یونانی که میخواستند به کوروش در مقابل کوشش کنند ، پس از سقوط « لودیپ » زند گزیدند آمدند و اطاعت خود را او اظهار نمودند . کوروش با آنها چنین جواب داد : « ما هیچ گری در کنار این مثل متول نواختن نیست تا ما میهای فرسند ، و ما میهای از رقصیدن آغاز وزیدند . سپس نور خورا بپوش انداخت و ما میهای را گرفت و تمام درگاه در آن انداخت . آنگوقت اشروع فرسیدن کردیم . ما هیچ گری با آنها گشتن هنگامی که آنرا زشتا تقاضا کردیم فرسیدند ما مثل امتناع وزیدند ، حالا دیگر قیامه ای ندارد . « کوروش شامه » از کوروش این چنین صحت گرفتند در : « او ثوابت قدرت خود را بر دست میاید از آنجا فرقرار کرد ، که موجب خیرت نگاشتند ولی هیچکس بر علیه او قیام نکرد . او قابل بود همه چیز را طوری فراهم کند که همه ملل با شادی فرمانروای او پذیرفته بودند .

(۲)

درواقع زندگی ایرانیان با سختی توأم بود و خزانه ملل از اشیاء قیمتی نباشدند ، ولی بندگی که « ساندانس » و « کوروش » به او بدید ، مورد توجه پادشاه و لودیپ که قرار گرفتند . کوروش بنام تاریخی که ریخته بود لشکران خود را در « پتیا » برای مقابله با کوروش آماده ساخت ولی شکست خورد . کوروش راهها را در پیش گرفت ولی لشکران کوروش او را تمسب کردند و در کنار شهر ، « پانتخ » و « لودیپ » جنگی دیگری میان وزیران در گرفت . « هارباک » که در این جنگ شکست همراه کوروش بود با او بدید داد که مورد استقامه قرار گرفت . بیشتر لشکران کوروش از سوار نظام ترکیب شده بودند . در هر مایه لشکران کوروش تنه ای شربود که آذوقه را حمل میکردند . میدانیم که اسب آزوری شتر مست است کوروش دستور داد در این اشتهار را در پیشبانی لشکرانش بپرکت در آوردند . اسبهای لشکران کوروش قشون کوروش هم خود و با این طریق با پسها توانستند در این جنگ نیز موفق گردند . ضمنا کوروش دستور داده بود که کسی حق نداشته باشد بروی کوروش پادشاه لودیپ شکست بزند ، این مطلب که هر دود در کتاب تاریخ ایران میگوید : « سرسی میگوید » در کتاب « تاریخ ایران » نیز نقل کرده اند . وی میگوید : « چنانچه قسبل من در استرالیا ایسی سوار بودم و همه یکتا شترت بمن نزدیک است و با این استقامت و با لودیپ گردید و وزیران بدید مرا زمین برتابند . به این ترتیب سارده بملک کوروش افتاد و کوروش اسبهای کوروش افتاد « هر دود » میگوید وقتی کوروش با سارده کوروش افتاد شاهنامه دستور داد زمینی گرد آورده و کوروش را در دینان آذوقه دادند تا او را بسوزانند .

در این هنگام کوروش کلماتی بر زبان آورد . کوروش که از بدید او کرده تا بیخود او شکست کوروش پس ابتدا از ایدر جواب خود داری کرد و بلا و بلا رفتن مطلبی بزبان آورده که برای هر پادشاهی مفید است . آنخصی ازان مطلب کوروش چنین میفرمود : « باز اسرار کرد تا کوروش جواب فاتح کشنده ای دهد . « بالخره پادشاه لودیپ گفت : من نام « سولون » را بر زبان می آورم ، زیرا روزی « سولون این مرد دانی آنتی ، و کوروش با او بهمین مطلب گفت که در مورد تمام پادشاهان جهان صحت میکند و اگر از ایدر اسرا کنند دچار بیخودمانند نمیخواهند . کوروش پاسخین این مطلب دستور داد اشرافا خاموش کنند تا کوروش بنویسند که اسبها را که منگ استاموبجی خوشبختی او میگردد بشنود . ولی کوروش فرستادند شامش خاموش نیستد و کوروش همچنان در میان شاهنشاهی اشراف گرفته بود .

« هر دود تمسب کوهان در این هنگام کوروش به « آیلون » متصل شد و با او در ببل نشستند و او را بنهات خورا که همواره برای پرستگاش هدایای قیمتی فرستاده است واکنش نشان داد که آنرا بنهات کسب کتای او به اشراف خاموش کند . در این هنگام آسمان صاف بود و ولی ناگهان ابرهای سیاه پدیدار شدند و طوفانی در گرفت و در ازان چنان شدیدی بادیدند گرفت که شعله های آتش خاموش دند و کوروش راهها را فرورداد گرفتند .

با این طریق کوروش دریافت که کوروش محبوب خدایان است و او را نوازش دهد و از او خواست که کوروش را با شتاب ازال کند . کوروش از کوروش پرسید که چیزی جز او وارد کرد که و چنگا و بیاید در موردی که میخواست با او امان دوستی فرزند کرد و برامه سهاکی را برای مرگ است . کوروش جواب داد : « دانی پادشاه ، آنچه من کردم موجب نیستی من گردید ، ولی من خصم نیستی ای منصف خدایانی است که با آنها مشورت نمودم و بهمین ترتیب گردید که اقدام به کار دازان زمان را بپارهایروائی داشت تو میبوی به پروردگار مرگ ، ترجیح ندهد ، ولی خدایان مرا آیلون را راهنمای کردند .

تاریخ نویسان برای قبولی قضای آخر این داستان با بکنیدر همه عقیده نیستند . مثلا از طوری که « سرسی میگوید » اظهار میگردند شاهنامه کوروش خود را نامیده اشرافا پرورش تا خود را در میان ملل کوروش پایتازد ، ولی او را از این امر منع کردند . بهر حال کوروش مدتی در دیار کوروش بصورت میماند عایدی میرست و حتی در سفر تا به کتای همراه او میرفت .

پس از اینکه « لودیپ » تصرف کوروش درآمد و نظر خود را بر کوروش پادشاه ساخت . گشته از اینکه پاهلیها هنگامی که کوروش با کوروش در حال جنگ بود از کوروش بیخودند که بودند نظر دیگری نیز موجه است که کوروش تصرف پادشاه نماید . در « بابونیه » که در ازان زمان را بپارهایروائی داشت تو میبوی به پروردگار مرگ ، خدایان بابل ، میکند و به پرستگاه « اور » و « دوروک » و « لودیپ » بیشتر علاقه مند بود . کوروش در مقابل کاهنان بابل که بسیار منتقد بودند گران بود که با او بدید داد . قدرت روحانی این منگ وادای و بیاید را زلف کرده بود و حکمت اشراف را به پرسش او می نمودید . وقتی خیر کوروش با او بدید داد باسها اقبال آورد . تنها ای بود که در آن زمان با حکومت بویاید ناراضی بود . قوم اسرائیل نیز که در این هم راه با سارده میرست از کوروش استقلال



حسبرای جشن از داخل و خارج

جشن شاهنشاهی:

آهنگ پیشرفتهای ایران را سریعتر کرده است

میلیونها ریال در راه عمران ایلام و پشتکوه...

- فرهنگیان و کارمندان دولت.
- اجرای طرح خانهسازی شهر مهران
- اجرای طرح تکمیلی آب آشامیدنی شهر ایلام با هزینههای مبلغ ۴،۴۰۰،۰۰۰ ریال
- ساختن دو درمانگاه روستائی در آبدانان و یاکروستای دیگر.
- اجرای طرح ساختمانی ۶ کتابخانه در روستاها.
- اجرای طرح احداث ۱۳ قهر راه روستائی در فرمانداریکل ایلام بهزینه ۱۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال

- ... در اجرای برنامههای وسیع عمرانی و نوسازی و ایلام و پشتکوه همه شریکند
- دستگاههای دولتی در کنار مردم مردم در کنار دولت - تلاش برای یک هدف آبادانی مملکت و بزرگداشت ۲۵ قرن شاهنشاهی ایران

- در این شهر.
- ساختمان نیروگاه برق در شهر بندر
- اجرای ۵۷ طرح بهسازی محیط و خانههای روستائی با هزینه دومیلیون و هفتصد هزار ریال.
- اجرای ده پروژه برق و روستائی در روستاها.
- ساختن خانههای سازمانی ایلام و واگذاری آن به

چهره سازنده جشنها

● ... شنها چراغهای «ایران» روشن است ... چراغهای روشنی که کارگران در پرتو آن، دست اندر کار پیشبرد کارها هستند ... در روشنی چراغها، پایههای پناهی عظیم جوش داده میشود ... در پرتو چراغها، دختران عشاير نمايش كوروش كبير را تمرين ميكند ...

● در پرتو چراغها، جامهها مرمت و آسفالت ميشود... در پرتو چراغها، ستونهای مدارس - بيابستانها - درمانگاهها، و بالاخره خانهها، بالا ميروند ...

● «جشن» تزيينك ميشود، تلاش روز كافي نيست، عظمت جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران، به پایابست که شنها نیز باید کار کرده ... تا ... همزمان با برگزاری یادبود ۲۵ قرن شاهنشاهی ایران، کشور آياتر و ملت مرفهتر باشد ...

این جشنهای شاهنشاهی ایران است که آهنگ پیشرفتهای عمرانی را سریع و سریعتر کرده است ... فرمانداریکل ایلام و پشتکوه

● ... جشن و جوش سازندگی در سراسر خاک عزیز ایران، باوج میرسد، سازندگی و پیشرفت عمرانی مملکت، در سایه برگزاری جشنهای شاهنشاهی نهفته است. ایلام و پشتکوه این نقطه مرزی، درحال دگرگونی است، صدها طرح و پروژه عمرانی چهره این منطقه را نو و پیشرفته تر میسازد. بنیامین در پیش بودن، جشنهای شاهنشاهی بیامرستانی با سی تختخواب باانتیاری عماد ۲،۵۱۵،۰۰۰ ریال مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

● ساختمان کانون کارآموزی با هزینه ۲،۰۹۲،۰۸۵ ریال ایجاد میگردد.

● سالن سرویشده تربیت بدنی با هزینه ۵،۴۰۰،۰۰۰ ریال ساخته میشود.

- آسفالت اساسی و جدول بندی و تعریض خیابانها، بهزینه ۱،۰۷۰،۸۷۷۹ ریال.
- ساختمان دودستان و دودیرستان با هزینه ۴،۶۰۲،۰۰۰ ریال.
- ایجاد درمانگاه، مرکز بهداشت و تاسیس بخش رادیولوژی، تکمیل و توسعه مراکز ارتباطی - «تلفن و تلگراف»
- قراء چوار و بیشه دراز از آب و لوله کشی برخوردار میشوند.
- اجرای طرح آب رسانی مشروب در قریه کلسدار - لوله کشی قریه فیروزآباد.
- آسفالت خیابانهای شهر مهران و ساختمان کشتارگاه



رژه های دیگر، و پای کوفتی دیگر

دختر و پسر های دانش آموز، آن روز در خیابانهای تهران رژه می رفتند. از شهر های گوناگون ایران آمده بودند. رسولان خانی و اقبال هنرمندان خود از جشن شاهنشاهی بودند. می توانستند قدم می کنند و لبخند میزدند. و مردم، مشتاق به نظاره آنها، و در میان مردم، کودکان تماشاگری را دیدیم که بی آن که در صف دانش آموزان باشند به هیجان آمده از ترتیب گامها و نوای آهنگهای آنها، می جویدند و مسافری بدندانیشان راه می رفتند. و شاید آرزوی - کردند که آنها بودند ... اما خود نمی دانستند که آنها بودند ... همه با آنها بودند.

دوباره بجای خویش باز آوردم و بر پایه های خویش، استوار ساختم. پرستشگانهانی را که گوماتای مجوس ویران کرده بود آباد کردم. رمهها و چراگاهها و خانهها و آتانی را که گوماتای مخ از مردمان گرفته بود، با آنها باز گرداندم. درپارس و ماد و دیگر کشورها، مردم را مانند پیش، بجای خویش استوار ساختم، آنچه را گوماتا گرفته بود باز گرفتم. این است آنچه بجای هرزدم آوردیم. بجای هرزدم کوشیدیم تا گوماتای مخ، شاهی را از خاندان ما بدر نبرد، کوشیدیم تا خاندان خود را بجایگاه خویش باز آوردم.

انسانهای برگزیده، آنگاه که بر مسند قضاوت می نشینند، خویشی و بیگانگی، برایشان مفهومی یکسان دارد. آنرا که دست خویشین به گناه آلوده، کیش مینهند. و در این پادشاه، هیچ عاملی، نمیتواند موثر افتد. وشاه داریوش، که از دیرگاهان نژاده است، در کتیبه جاویدان خود، نمیگوید تا برده بروی برگزیده افتد.

متن کتیبه جاویدان داریوش، شاه شاهان، نخست نشانگر هست بلند و اندیشهی فرخا کلاوست. اندیشه ای، که او را برانگیخته تحاقیق را، عریان تصویر کند و آنگاه، این کتیبه، خود نمایشگر کثیری است که سرانجام بدو روغوبان و لاقزنها را میگیرد. و سرانجام، مسطور این کتیبه، نمودار روح عدالت گستر و منش پاك شاهنشاهانی است که رسالت خود را در استوار ساختن پرستشگانهها، گستردن فروغ آزادیها، و ترمیم ویرانیها و بطور کلی رفاه انسان و تلطیف روح آدمی، میدانند.

هرزدم توانا، همان سان که داریوش، شاه شاهان خواسته است، نگهبان این مرزوبوم کهن و پاسدار بنیان استوار شاهنشاهی باد.

کیفر ...

بقیه از صفحه ۱

از کوه «ارکدریش» برخاست. و بدروغ بهرمدان چنین گفت: من، بردیا، فرزند کوروش و پسران کیمبوجیهام. مردمان سخن او را باور کردند. و با او جمع پیمان شدند و بر کیمبوجیه شوریدند. گوماتا، بنام بردیا، بر تخت نشست. کیمبوجیه نیز، درصغر، بدست خود کشته شد.

داریوش شاه گوید:

این شهر یاری را که گوماتا به نیرنگ گرفت، از دیر باز بخاندان ما تعلق داشت. گوماتای مخ، پارس و ماد و دیگر کشورها را از دست کیمبوجیه بدربرد و خود پادشاه شد. داریوش شاه چنین میگوید:

نادر پارس و نادر خاندان ما، کسی نبود که بتواند شهر یاری را از چنگ گوماتای مجوس، بیرون کند. مردم سخت ترسان بودند. زیرا گوماتا، بسیاری از کسانی را که بردیا را از پیش میشناختند می کشت. چه، میرتیسر میباید دریانند که او بردیا فرزند کوروش نیست.

هیچکس جرأت نداشت درباره گوماتای مجوس سخنی بگوید تا من فراسیسم. آنگاه من از هرزدم یاری خواستم. که من با سپاهی اندک، گوماتای مخ و پسران نزدیک او را کتیم. در کشور ماد، در کوهی از ناحیهی «نسا» بود که گوماتا و پسرانش را از پا در آوردم. و فرما رواتی را از ایشان گرفتیم و خواسته هرزدم، شاه شدم. مرا، هرزدم شهر یاری داد. داریوش شاه چنین میگوید:

این شهر یاری را، که از خاندان ما گرفته بود،

کمیته جشن شاهنشاهی

در کانادا

ریاست عالی

سنتاور ژان پل دوخانله، رئیس سنای کانادا

اعضای کمیته:

- رئیس سابق سنای کانادا
- رئیس «ناسی اپیل بودره»
- رئیس مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل
- معاون مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه تورنتو
- استاد انستیتوی مطالعات اسلامی دانشگاه کبک
- رئیس مرکز مطبوعاتی اسطفا باورقانی کانادا
- سنتاور موریس بوژوه
- فانسی موریس باوود
- پروفسور چارلز ادامس
- پروفسور راجر سویدی
- آقای مهدی حاروی بوزی
- آقای یاترک نیلسون